



جرمشناسی خشونت های خانگی در ایران

نویسنده : حدیث بینا

دانش آموخته کارشناسی ارشد جزا و جرمشناسی دانشگاه علوم تحقیقات تهران

چکیده :

خشونت خانگی در ایران، مشابه بسیاری از جوامع دیگر، یک واقعیت تلخ است که در سطوح مختلف اجتماعی و اقتصادی مشاهده می شود. این خشونت به ویژه علیه زنان در اشکال فیزیکی، روانی، اقتصادی، جنسی و کلامی بروز می کند و متاثر از عوامل فرهنگی، سنتی، اقتصادی، اجتماعی، قانونی و روان شناختی است. از جمله این عوامل می توان به نقش های جنسیتی سنتی، مردسالاری، فقر، بیکاری، وابستگی مالی، ضعف در اجرای قوانین، و مشکلات روانی اشاره کرد.

برای مقابله مؤثر با خشونت خانگی، نیازمند یک رویکرد چندبعدی هستیم که شامل تقویت قوانین حمایتی، بهبود سیستم های قضایی و پلیسی، افزایش آگاهی عمومی و ایجاد شبکه های حمایتی قوی برای قربانیان باشد.

ضعف در قوانین و رویه های قضایی، همراه با عدم دسترسی به نهادهای حمایتی و آگاهی ناکافی از حقوق زنان، موجب تداوم و تشدید این نوع خشونت می شود. این مقاله به بررسی انواع خشونت خانگی علیه زنان در ایران و موارد قانونی مربوط به آن پرداخته و نشان می دهد که چگونه فرهنگ سنتی و کمبودهای قانونی می توانند مانع اجرای عدالت شوند.

تنها با در نظر گرفتن تمامی این جوانب می توان به کاهش این مشکل اجتماعی در ایران امیدوار بود.

کلمات کلیدی : خشونت ، خشونت خانگی ، تجاوز ، تجاوز جنسی ، مردسالاری

مقدمه :

خشونت خانگی یکی از معضلات پیچیده و شایع در جوامع مختلف جهان است که تأثیرات مخربی بر سلامت جسمی، روانی، و اجتماعی افراد دارد. این پدیده نه تنها مرزهای جغرافیایی را نمی‌شناسد، بلکه در تمامی طبقات اجتماعی و فرهنگی دیده می‌شود. خشونت خانگی می‌تواند در قالب‌های مختلفی مانند خشونت فیزیکی، روانی، جنسی، اقتصادی و حتی اجتماعی بروز یابد و زنان به‌عنوان قربانیان اصلی این نوع خشونت، بیشتر از دیگران در معرض آسیب قرار می‌گیرند.

در ایران نیز، خشونت خانگی یکی از مسائل جدی است که با وجود تلاش‌های صورت گرفته برای مقابله با آن، همچنان ریشه در عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قانونی دارد. این خشونت‌ها اغلب به دلیل سکوت قربانیان، عدم حمایت کافی از سوی نهادهای قانونی و قضایی و همچنین برداشت‌های نادرست از نقش‌های جنسیتی، به‌ویژه در مناطق محروم و سنتی، پنهان می‌مانند.

هدف از این بحث، بررسی انواع خشونت‌های خانگی، تأثیرات آن بر زنان، و چالش‌های قانونی مرتبط با این پدیده در ایران است. با توجه به اهمیت موضوع، پرداختن به عوامل موثر در بروز خشونت خانگی و ارائه راهکارهای ممکن برای پیشگیری و مقابله با آن، امری ضروری به نظر می‌رسد. این مقدمه تلاش دارد تا زمینه‌ای برای درک بهتر این مسئله فراهم آورد و به تحلیل دقیق‌تر و جامع‌تر آن در متن اصلی کمک کند.

جرم‌شناسی خشونت‌های خانگی در ایران به مطالعه و تحلیل عمیق این پدیده پیچیده می‌پردازد و سعی می‌کند علل، پیامدها و راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن را بررسی کند. خشونت خانگی در ایران مانند بسیاری از جوامع دیگر، تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که می‌توان آن‌ها را مورد بررسی قرار داد.

تعریف خشونت های خانگی :

خشونت خانگی به خشونتی گفته می‌شود که در محیط خصوصی خانواده به وقوع بپیوندد در دنیای امروز، خشونت خانگی واقعیتهایی غیر قابل انکار است، خشونت‌هایی که مخصوص جامعه یا طبقه خاصی نیست و در همه کشورهای دنیا و طبقات اجتماعی مختلف میتوان آن را یافت. بزرگترین ریسک فاکتور برای ابتلا به خشونت خانگی در بزرگسالی، زن بودن و داشتن تجربه بد رفتاری در کودکی است و به طور کلی زنان بیشتر از مردان دچار خشونت خانگی می‌شوند.

خشونت خانگی علیه زنان در ایران به شکل‌های مختلفی بروز می‌کند. برخی از نمونه‌های بارز آن عبارتند از:

۱. خشونت فیزیکی: ضرب و شتم، سوزاندن، محرومیت از غذا یا درمان پزشکی و تهدید به قتل از جمله موارد رایج

خشونت فیزیکی در خانواده‌ها است.

۲. خشونت روانی و عاطفی: این نوع خشونت شامل تحقیر، توهین، تهدید به ترک یا طلاق، اعمال مالکیت، عدم اجازه خروج از خانه، تهدید به بچه دزدی، تهدید به تخریب دارایی، متلک گویی و اجبار به دیدن تصاویر و صحنه های خلاف عفت. کنترل های افراطی بر رفتار و زندگی فرد، و اعمال فشار روانی و روحی است.

۳. خشونت اقتصادی: ممانعت از دسترسی به منابع مالی، نپرداختن نفقه، سوءاستفاده مالی از زوجه، آسیب زدن به وسایل شخصی مورد علاقه زوجه، کنترل تمام درآمدها، و محدود کردن دسترسی به کار و درآمدزایی برای فرد آسیب دیده از نمونه های خشونت اقتصادی هستند.

۴. خشونت جنسی: اجبار به انجام اعمال جنسی بدون رضایت، تعرض جنسی، و بهره برداری جنسی از زنان و کودکان در محیط خانوادگی از جمله دخول مهملی و دهانی همراه با اجبار، خشونت، تهدید زوجه این مسائل نگرانی سازمان ملل را به خود معطوف داشته است.

طبق آمار سازمان جهانی بهداشت ۳۰ درصد زنان جهان در طول زندگی خود خشونت فیزیکی یا خشونت جنسی از سوی همسر یا شریک جنسی خود تجربه کرده اند

به جهت نبودن عنوان مجرمانه مستقل در قوانین ایران بیشتر موارد بزه دیدگی این زنان در مراجع قضایی به رسمیت شناخته نمی شود یا در نتیجه عدم کفایت ادله استنادی ناشی از سختی اثبات جرم به دلیل وقوع آن در زندگی خصوصی آن در زندگی خصوصی زوجین با قرار منع تعقیب مواجه میشود.

جرم انگاری خشونت جنسی خانگی: در فرهنگ سنتی جوامع، زن بخشی از دارایی پدر و پس از ازدواج جزء مایملک همسرش محسوب میشد لذا هرگونه تعرض و پیشروی جنسی بر او مجاز بود همچنین اینگونه تلقی میشد که زن با انعقاد عقد ازدواج به هر شکل از زناشویی و در هر زمان رضایت دارد به همین دلیل مرد هیچگاه نمی توانست به جرم تجاوز به همسرش محکوم شود.

در رویه قضایی ایران تجاوز جنسی خارج از نکاح و پیوند زناشویی می داند و اگر رابطه جنسی به هر صورت (خشن یا به زور و استفاده از وسایل جنسی بدون رضایت زوجه و ...) باشد را تجاوز نمی داند

۵. خشونت کلامی: توهین، ناسزاگویی، تحقیر کلامی و تهدیدهای لفظی نمونه هایی از این نوع خشونت هستند.

چندین پرونده خشونت های خانگی:

در ایران، خشونت های خانگی تحت قوانین مختلفی می تواند پیگیری شود و معمولاً از طریق شکایت به دادگاه کیفری یا خانواده انجام می شود. برخی از نمونه های پرونده های خشونت فیزیکی در خانه توسط شوهر که بر اساس مواد قانونی پیگیری شده اند، شامل موارد زیر است:

۱. ماده قانونی: ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

- شرح: زنی ۳۰ ساله، توسط شوهرش به دلیل اختلافات خانوادگی مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفت. پس از وقوع حادثه، خانم به بیمارستان منتقل شد و پس از ثبت گزارش پزشکی قانونی، به دادگاه شکایت کرد. دادگاه بر اساس ماده ۶۱۴

قانون مجازات اسلامی که به مجازات حبس برای ضرب و جرح عمدی منجر به نقص عضو یا آسیب جسمانی جدی اشاره دارد، شوهر خانم را به سه سال حبس تعزیری محکوم کرد.

۲. ماده قانونی: ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

- شرح: مادر دو فرزند، بارها توسط شوهرش مورد توهین و ضرب و شتم قرار گرفته بود. او پس از مراجعه به پزشکی قانونی و اخذ گواهی مبنی بر جراحات وارده، اقدام به شکایت کرد. دادگاه با استناد به ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی که در مورد توهین و تعرض نسبت به زنان و کودکان است، شوهر را به ۷۴ ضربه شلاق و پرداخت دیه محکوم کرد.

۳. ماده قانونی: ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی

- شرح: خانم به دلیل خشونت‌های مکرر شوهرش به دادگاه خانواده مراجعه کرد و درخواست طلاق داد. او با استناد به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی که به زن حق می‌دهد در صورت عسر و حرج ناشی از رفتارهای شوهر، درخواست طلاق کند، توانست حکم طلاق را از دادگاه بگیرد. دادگاه تشخیص داد که زندگی مشترک برای خانم به دلیل خشونت‌های مداوم شوهرش غیرقابل تحمل است و حکم طلاق صادر شد.

۴. ماده قانونی: ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی

- شرح: مادر یک فرزند بود و شوهرش به صورت مداوم او و فرزندشان را تحت خشونت فیزیکی قرار می‌داد. خانم با استناد به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی که به والدین اجازه می‌دهد در صورت عدم صلاحیت یکی از والدین برای حضانت فرزند به دلیل اعمال خشونت یا سوء رفتار، درخواست تغییر حضانت کنند، توانست حضانت فرزندش را از شوهرش بگیرد و دادگاه شوهر را به پرداخت نفقه و دیه محکوم کرد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که چگونه قربانیان خشونت خانگی می‌توانند با استفاده از مواد قانونی موجود در نظام حقوقی ایران، حقوق خود را پیگیری کنند.

صدور رأی توسط قضات در موارد خشونت‌های خانگی می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار بگیرد و در برخی موارد، اختلاف نظرها و یا به اصطلاح «سلیقه‌ای» بودن در تصمیم‌گیری‌ها مشاهده می‌شود. این مسئله دلایل متعددی دارد:

۱. اختلاف در تفسیر قانون: قوانین مرتبط با خشونت خانگی در ایران، به‌ویژه در قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی، در برخی موارد نیاز به تفسیر دارند. برخی از قضات ممکن است تفسیر خاصی از یک ماده قانونی داشته باشند که با تفسیر قضات دیگر متفاوت است.

۲. تأثیرات فرهنگی و اجتماعی: نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه و همچنین باورهای شخصی قاضی می‌تواند در صدور رأی تأثیرگذار باشد. در برخی مناطق، خشونت خانگی به عنوان یک مسئله داخلی خانواده تلقی می‌شود و ممکن است قضات نسبت به شدت آن کم‌توجهی کنند.

۳. نقص در قوانین: در برخی موارد، خلأها یا ابهامات قانونی می‌تواند به قضات اجازه دهد تا بر اساس صلاحدید شخصی تصمیم‌گیری کنند. این امر می‌تواند به نابرابری در اجرای عدالت منجر شود.

۴. مدارک و شواهد: در سیستم قضایی ایران، مدارک و شواهد ارائه شده توسط طرفین نقش مهمی در صدور رأی دارند اگر شواهد کافی و مستندات محکمه‌پسند ارائه نشود، قاضی ممکن است با توجه به احساسات یا تفسیر شخصی خود رأی دهد.

۵. تفاوت در تجربه و تخصص قضات: همه قضات تجربه یا تخصص مشابهی در رسیدگی به پرونده‌های خشونت خانگی ندارند. قضات با تجربه‌تر ممکن است در برخورد با این پرونده‌ها حساسیت بیشتری نشان دهند، در حالی که قضات کمتر مجرب ممکن است نتوانند به درستی همه ابعاد را ارزیابی کنند.

با این حال، سیستم قضایی ایران تلاش می‌کند تا با استفاده از آموزش‌های مداوم و تلاش برای یکسان‌سازی رویه‌های قضایی، این نوع اختلافات را کاهش دهد. اما هنوز هم چالش‌هایی در زمینه برخورد یکسان و عادلانه با پرونده‌های خشونت خانگی وجود دارد.

۶. محرومیت از حقوق اجتماعی:

محرومیت زن از حقوق اجتماعی توسط شوهر یکی از مصادیق خشونت خانگی و نقض حقوق بشر است که در برخی جوامع ممکن است رخ دهد. این مسئله می‌تواند به صورت‌های مختلفی بروز پیدا کند و شامل جلوگیری از دسترسی زن به تحصیل، اشتغال، ارتباطات اجتماعی و حتی محدود کردن آزادی‌های فردی مانند انتخاب محل زندگی یا پوشش باشد

انواع محرومیت‌های اجتماعی:

۱. محرومیت از تحصیل: شوهر ممکن است مانع از ادامه تحصیل همسرش شود یا او را از شرکت در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی محروم کند. این موضوع می‌تواند باعث کاهش فرصت‌های شغلی و رشد فردی زن شود.

۲. محرومیت از اشتغال: در برخی موارد، شوهر به همسر خود اجازه نمی‌دهد که شاغل شود یا او را مجبور می‌کند که از شغل خود استعفا دهد. این اقدام نه تنها به استقلال مالی زن آسیب می‌زند، بلکه به او احساس ناتوانی و وابستگی می‌دهد.

۳. محدودیت‌های اجتماعی: برخی شوهران ممکن است زن را از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، ملاقات با دوستان و خانواده یا حتی خروج از خانه بدون اجازه منع کنند. این نوع محدودیت‌ها می‌تواند به انزوای اجتماعی و افسردگی منجر شود.

۴. محرومیت از حقوق قانونی: در برخی موارد، شوهر با استفاده از نفوذ و قدرت خود، زن را از حقوق قانونی‌اش مانند حق حضانت فرزندان، حق طلاق یا حق درخواست حمایت قانونی محروم می‌کند.

در نظام حقوقی ایران، قوانین مختلفی وجود دارند که به حمایت از حقوق زنان و جلوگیری از محرومیت‌های اجتماعی می‌پردازند. به عنوان مثال:

- ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی: این ماده به شوهر اجازه نمی‌دهد که زن خود را از شغلی که با مصالح خانوادگی مغایرت ندارد، منع کند.

- ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده: این ماده به زن حق می‌دهد که در صورت ممانعت شوهر از خروج او از کشور، به دادگاه مراجعه کرده و مجوز خروج بگیرد.

عواملی که باعث بروز خشونت های خانگی میشود:

خشونت خانگی در ایران، مانند بسیاری از جوامع دیگر، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی قرار دارد. این عوامل می‌توانند به افزایش یا تشدید خشونت خانگی منجر شوند. در زیر به برخی از مهم‌ترین عواملی که می‌توانند باعث افزایش خشونت خانگی در ایران شوند اشاره می‌کنم:

۱. عوامل فرهنگی و سنتی:

- نقش‌های جنسیتی سنتی: در برخی فرهنگ‌ها و جوامع، نقش‌های جنسیتی سنتی که مردان را به عنوان نان‌آور و زنان را به عنوان مطیع تعریف می‌کند، ممکن است به خشونت خانگی دامن بزند. این نگرش‌ها می‌توانند خشونت را به عنوان ابزاری برای کنترل زنان توجیه کنند و حقوق آن‌ها را نادیده بگیرند.

- مردسالاری: جامعه‌ای که در آن ساختارهای مردسالارانه قوی هستند، ممکن است به خشونت خانگی اجازه دهد که بدون مجازات ادامه پیدا کند. در چنین جوامعی، زنان ممکن است از حقوق خود آگاه نباشند یا به دلیل فشارهای اجتماعی، از گزارش دادن خشونت خودداری کنند.

- نقش باورهای فرهنگی: باورها و نگرش‌های سنتی که به حفظ آبرو و خانواده به هر قیمتی تاکید می‌کنند، می‌تواند باعث سکوت قربانیان و ادامه یافتن خشونت شود.

۲. عوامل اقتصادی:

- فقر و بیکاری: فشارهای اقتصادی، از جمله بیکاری و ناتوانی در تأمین نیازهای مالی خانواده، می‌تواند به تنش‌های خانوادگی منجر شود و احتمال بروز خشونت خانگی را افزایش دهد.

- وابستگی مالی: زنان که به لحاظ مالی وابسته به همسر خود هستند، ممکن است در برابر خشونت خانگی آسیب‌پذیرتر باشند. این وابستگی می‌تواند آنها را از گزارش خشونت یا ترک همسر بازدارد.

۳. عوامل اجتماعی:

- عدم دسترسی به نهادهای حمایتی: در بسیاری از مناطق ایران، به ویژه مناطق روستایی و محروم، دسترسی به نهادهای حمایتی مانند پناهگاه‌ها، مشاوره‌های روانی و حقوقی، و سیستم قضایی محدود است. این عدم دسترسی می‌تواند زنان را از جستجوی کمک و گزارش خشونت بازدارد.

- نقصان در آموزش و آگاهی: سطح پایین آگاهی عمومی درباره حقوق زنان و قوانین مربوط به خشونت خانگی می‌تواند باعث شود که بسیاری از زنان از حقوق خود بی‌اطلاع باشند یا ندانند چگونه در برابر خشونت از خود دفاع کنند.

۴. عوامل قانونی و قضایی:

- ضعف در اجرای قوانین: در برخی موارد، قوانین حمایت از زنان در برابر خشونت به درستی اجرا نمی‌شوند یا ضعف‌هایی در سیستم قضایی وجود دارد که باعث می‌شود خشونت‌گران به درستی مجازات نشوند. این موضوع می‌تواند به ادامه خشونت خانگی و تشدید آن منجر شود.

- نقش نهادهای قضایی و پلیس: پاسخگویی ناکافی پلیس و نهادهای قضایی به گزارش‌های خشونت خانگی می‌تواند باعث کاهش اعتماد قربانیان به این سیستم‌ها و در نتیجه کاهش گزارش موارد خشونت شود.

- تأثیرات فرهنگی در قضاوت‌ها: در برخی موارد، قضاوت‌های قضات ممکن است تحت تأثیر فرهنگ‌های محلی و سنتی قرار گیرد، که می‌تواند منجر به تساهل در برابر خشونت خانگی شود.

۵. عوامل روان‌شناختی:

- مشکلات روانی و اعتیاد: مشکلات روانی مانند افسردگی، اضطراب، و اختلالات رفتاری می‌توانند به خشونت خانگی دامن بزنند. اعتیاد به مواد مخدر یا الکل نیز از عوامل مهمی است که می‌تواند خشونت خانگی را افزایش دهد.

- ناآگاهی از مهارت‌های مدیریت خشم: عدم آگاهی یا نداشتن مهارت‌های لازم برای مدیریت خشم و استرس می‌تواند منجر به بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در محیط خانواده شود.

- تجربیات دوران کودکی و تربیت: افرادی که در کودکی خود شاهد خشونت در خانواده بوده‌اند احتمال بیشتری دارند که در بزرگسالی به اعمال خشونت روی بیاورند

- اختلالات شخصیتی می‌توانند از دیگر عوامل مهم در بروز خشونت باشد

- روانشناسی قربانیان: قربانیان خشونت خانگی اغلب دچار آسیب‌های روانی نظیر اضطراب، افسردگی و اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) می‌شوند که این امر می‌تواند توانایی آن‌ها برای مقابله با خشونت را کاهش دهد.

۶. پاسخ‌های جامعه و نظام قضایی:

- کمبود حمایت‌های اجتماعی: عدم وجود یا کمبود خانه‌های امن، مشاوره‌های حقوقی و روانشناسی مناسب برای قربانیان خشونت خانگی، یکی از مشکلات اساسی در مقابله با این پدیده در ایران است.

- آموزش و آگاهی‌رسانی عمومی: بسیاری از افراد، به ویژه در مناطق روستایی و کمتر توسعه‌یافته، از حقوق خود در برابر خشونت خانگی آگاهی کافی ندارند. آموزش عمومی و ارتقاء سطح آگاهی مردم می‌تواند به پیشگیری از خشونت‌های خانگی کمک کند.

۷. تغییرات اجتماعی و فشارهای جدید:

- فشارهای ناشی از تغییرات اجتماعی: تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی، مانند افزایش تحصیلات زنان و ورود آنها به بازار کار، ممکن است تعارضات جدیدی را در خانواده‌ها ایجاد کند که اگر به درستی مدیریت نشود، می‌تواند به خشونت منجر شود.

آزار جنسی کودکان و فرزندان:

خشونت خانگی واقعیتی آزار دهنده و غیر قابل انکار در دنیای امروز است، در جهانی که محیط خانه باید آرامش و پناهگاهی باشد تا ساکنان آن دور از رنج های محیط بیرونی باشند ولی متأسفانه برای بسیاری از مردم، خانه به جهنمی میماند که آتش دشمنی، خشم، خشونت، کینه و انتقام در آن هر لحظه شعله ورتر میشود.

خشونت خانگی در ایران تا چند سال پیش به مفهوم پدیده و آسیب اجتماعی اصلاً مدنظر نبود، هر چند برخی موارد حاد خشونت خانگی در مطبوعات انعکاس می یافت، اما به صورت معمول خشونت به مثابه رفتار نابهنجار فردی در نظر گرفته می شد و اگر در مورد آن بحث و گفت و گویی میشد، برای روشن کردن علل فردی رفتار خشن بود، از چند سال قبل به این طرف، سرانجام این پدیده مورد توجه سازمان ها و محافل علمی قرار گرفت و اقدام های چندی در این زمینه صورت گرفت که از جمله آنها میتوان برگزاری سمینارها، سخنرانی ها و حتی تشکیل گردهمایی هایی با هدف بررسی و مقابله با خشونت های خانگی اشاره کرد.

خشونت خانگی ممکن است در یکی از اشکال همسرآزاری، کودک آزاری، فرزندکشی، ضرب و جرح و یا قتل والدین و خشونت فرزندان دربارهی یکدیگر ظهور و بروز پیدا کند.

از میان مواردی که در فوق به آن اشاره شده بحث نوشتار حاضر را تشکیل می دهد، انواع کودک آزاری و بررسی علل و عوامل آن در محیط خانه می باشد.

پرداختن به کودک آزاری و علل و زمینه های بروز آن در قالب یک مشکل و آسیب اجتماعی می تواند در شناخت مشکل و علل و بروز آن و ارائه راهکارهای لازم برای پیشگیری و مقابله با آن بسیار موثر و راهگشا باشد، ضرورت بحث مزبور از آنجا ناشی میشود که، اندیشمندان قرن حاضر را «عصر کودکان» نامیده اند و امروزه کودکان در جایی که باید امن ترین مکان برای آنان باشد، بیش از هر جای دیگر در معرض خطر هستند و در حقیقت احتمال اینکه کودکان توسط اعضای خانواده خود مورد انواع آزارها قرار گیرند .

انواع خشونت خانوادگی علیه کودکان:

کودک آزاری در خانواده از محروم ساختن کودک از غذا، لباس، سرپناه و محبت والدین تا مواردی که در آن کودکان از نظر جسمی توسط یک فرد بالغ آزار و بد رفتاری قرار می گیرند که آشکارا به صدمه دیدن و گاهی مرگ آنان منجر میشود گسترده است. با وجود اینکه خشونت علیه طفل در خانواده، طیف وسیعی از رفتارهای آسیب رسان را شامل می گردد اما باید گفت که تمامی این رفتارها حول چهار محور آزارهای جسمی، جنسی، غفلت و آزارهای عاطفی - روانی میگردد.

پس از خشونت های فیزیکی نگاه محققان متوجه اعمال خشونتهای روانی نسبت به کودکان در خانواده شد، تحقیقات بعدی بر پیچیده ترین بحث خشونت در خانواده، یعنی تجاوز و سوء استفاده های جنسی از کودکان متمرکز شد.

- خشونت جسمی

خشونت جسمی آشکارترین شکل خشونتی که ممکن است علیه کودکان واقع شود، هرگونه اقدام فیزیکی که جسم کودک را با هدف آسیب رساندن یا کنترل وی مورد آزار قرار دهد، در این بخش جای میگیرد. اشکال مختلف کودک آزاری جسمی شامل شلاق زدن، بستن کودک با طناب یا با اشیاء، کوبیدن به دیوار، سوزاندن با آب جوش یا مایعات داغ و یا استفاده از آتش سیگار (حدود ده درصد از کودک آزاری ها ناشی از سوختگی است).

بنابراین مشخص میگردد که ضرب و جرح جزء خشونت است اما در مورد اینکه آیا تنبیه های بدنی مانند پشت دست زدن، پس گردنی یا به پشت بچه زدن جزئی از خشونت جسمی میشود یا خیر ؟

اختلاف نظر وجود دارد و همین امر باعث گردیده است که در مورد آزار جسمی تعریف واحدی وجود نداشته باشد. در واقع تعریف های کودک آزاری جسمی تحت تاثیر قوانین و مقررات و ارزش های فرهنگی هر جامعه خصوصاً در زمینه تربیت اطفال و تنبیه و مجازات آنان قرار دارد.

در بسیاری از کشورها، قوانین جنایی یا مدنی (خانواده) یا هر دوی آنها، حق والدین و سایر سرپرستان را برای استفاده از شکلهای خشونت آمیز تنبیه به گونه ای خاص تایید میکنند، این قوانین اغلب تصریح دارند که چنین تنبیهی باید «معقول» و «متعادل» باشد و بدین ترتیب تصمیم در خصوص تعیین میزان «معقول» خشونت را بر عهده بزرگسالان، فعالان حمایت از کودک و سرانجام دادگاه ها میگذارد.

یکی از مصادیق بارز خشونت جسمی علیه کودک در خانواده، «قتل های ناموسی» است که کودک دختر به دست پدر یا برادر و به بهانه حفظ آبرو و شرف به قتل می رسد. در حالی که اکثر چنین قتل هایی در آسیا و خاورمیانه صورت میگیرد، نمونه هایی از وقوع آن در اروپا نیز گزارش شده.

- خشونت جنسی

خشونت جنسی توسط پدر یا اعضای خانواده یکی از مخربترین و نگران کنندهترین اشکال خشونت خانگی است که در بسیاری از جوامع، از جمله ایران، رخ می دهد. این نوع خشونت به دلیل حساسیت های فرهنگی و اجتماعی، معمولاً با سکوت و پنهان کاری همراه است و قربانیان اغلب از ترس برخورد جامعه و بی آبرویی، از گزارش دادن آن خودداری می کنند.

در ایران، به دلیل وجود تابوهای فرهنگی، مسائل مرتبط با خشونت جنسی در خانواده به ویژه وقتی که از سوی پدر یا یکی از اعضای نزدیک خانواده رخ می دهد، کمتر به طور عمومی مطرح می شود. قوانین ایران نیز در برخی موارد به گونه ای است که حمایت کافی از قربانیان را فراهم نمی کند، هرچند تلاش هایی در سال های اخیر برای اصلاح و تقویت این قوانین صورت گرفته است. مشکلات مربوط به گزارش دهی و پیگیری قانونی این موارد، به دلیل کمبود آگاهی عمومی، نبود حمایت های کافی برای قربانیان، و فشارهای اجتماعی و خانوادگی، همچنان یک چالش بزرگ است. برخی سازمان ها و فعالان حقوق بشر در ایران و خارج از کشور تلاش می کنند تا این موضوع را بیشتر مطرح کرده و آگاهی رسانی کنند، اما راه زیادی برای دستیابی به تغییرات بنیادی در این زمینه وجود دارد.

تجاوز به فرزندان توسط والدین یکی از شدیدترین و نابخشودنی ترین شکل های سوءاستفاده جنسی است که به دلیل پیچیدگی عوامل روانی، اجتماعی و محیطی رخ می دهد. در ادامه، به برخی از عوامل و دلایل احتمالی که ممکن است منجر به این رفتار بیمارگونه شود، اشاره می کنم:

۱- اختلالات روانی و شخصیتی: بسیاری از والدینی که به فرزندان خود تجاوز می کنند، ممکن است دچار اختلالات روانی مانند اختلال شخصیت ضد اجتماعی (سایکوپاتی)، اختلالات جنسی مانند پدوفیلیا، یا اختلالات کنترل تکانه باشند. این افراد ممکن است نتوانند تکانه های جنسی خود را کنترل کنند و به رفتارهای غیرقانونی و غیراخلاقی روی آورند.

۲- سوءاستفاده و تجاوز در کودکی: والدینی که در کودکی خود قربانی تجاوز یا سوءاستفاده جنسی بوده اند، در معرض خطر بیشتری برای تبدیل شدن به تجاوزگر قرار دارند. این تجربه های تلخ می تواند منجر به بازتولید رفتارهای خشونت آمیز در آینده شود.

۳- اعتیاد به مواد مخدر یا الکل: مصرف مواد مخدر یا الکل می تواند قوهی قضاوت و کنترل افراد را کاهش دهد و آنان را به انجام رفتارهای خشونت آمیز و غیرقابل قبول وادارد، از جمله تجاوز به فرزندان.

۴- مشکلات اجتماعی و اقتصادی: فشارهای شدید اقتصادی و اجتماعی می تواند منجر به ایجاد محیط های پرسترس و نامناسب خانوادگی شوند که در آن احتمال بروز رفتارهای خشونت آمیز و غیرقانونی بیشتر است.

۵- فقدان حمایت های اجتماعی و خانوادگی: نبود شبکه های حمایتی قوی و عدم دسترسی به خدمات مشاوره و درمان روانشناختی ممکن است مشکلات روانی و رفتاری والدین را تشدید کرده و آنان را به سوی رفتارهای مخرب سوق دهد.

۶- کمبود مهارت های تربیتی و آموزشی: والدینی که مهارت های لازم برای تربیت فرزندان را ندارند و از آموزش های مناسب بی بهره اند، ممکن است در مواجهه با استرس ها و مشکلات خانوادگی به رفتارهای نادرست و آسیب زننده روی آورند.

۷- روابط نادرست و اختلالات خانوادگی: روابط ناسالم و مخرب میان والدین یا میان والدین و فرزندان، می تواند به ایجاد محیطی منجر شود که در آن تجاوز و سوءاستفاده جنسی رخ دهد.

۸- نابالغی عاطفی: والدینی که به لحاظ عاطفی و روانی نابالغ هستند، ممکن است نتوانند به درستی مرزهای جنسی را درک و رعایت کنند و در نتیجه به رفتارهای غیرقابل قبول دست بزنند.

تجاوز به فرزندان توسط والدین یک جنایت بسیار سنگین و دارای پیامدهای روانی و اجتماعی شدید برای قربانیان است. چنین رفتاری نیاز به مداخله فوری قانونی و روانشناختی دارد تا از تداوم آسیب جلوگیری شود و حمایت های لازم برای قربانیان فراهم آید.

کودک آزاری ، درگیر کردن کودک در رابطه ای جنسی است که کودک از نظر رشدی قادر به تشخیص و درک آن و رضایت دادن آگاهانه نیست.

در ایران، تجاوز والدین به فرزندان به عنوان یکی از شدیدترین و ناپسندترین جرایم جنسی محسوب می شود. این موضوع از دیدگاه قانونی و فقهی بسیار حساس و پیچیده است، و در صورت اثبات، مجازات های سنگینی برای متجاوز در نظر گرفته می شود .

۱- قانون مجازات اسلامی: بر اساس قانون مجازات اسلامی، تجاوز به محارم (که شامل تجاوز والدین به فرزندان می شود) یک جرم بسیار سنگین است و در صورت اثبات، می تواند شامل مجازات های شدیدی از جمله اعدام باشد. ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی تجاوز به محارم را از جمله جرایمی دانسته که مجازات آن مرگ است.

۲- حد زنا: در صورتی که تجاوز به عنف (اجبار) صورت گرفته باشد و شرایط اثبات آن طبق موازین شرعی فراهم شود، حد زنا جاری می شود. در این موارد، مجازات متجاوز ممکن است سنگسار یا اعدام باشد.

۳- مجازات تعزیری: در مواردی که اثبات تجاوز به عنف یا زنا طبق موازین شرعی ممکن نباشد، ممکن است متجاوز بر اساس تعزیرات محکوم به زندان طولانی مدت یا دیگر مجازات های سنگین شود.

۴- حمایت از کودک: در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱)، هر نوع سوءاستفاده جنسی از کودک جرم شناخته شده و مرتکب آن به مجازات های سنگینی محکوم می شود. این قانون به ویژه به حمایت از حقوق کودکان پرداخته و بر ضرورت گزارش دهی و پیگیری این نوع جرایم تأکید دارد.

۵- مراجع قضایی: در صورت شکایت یا گزارش تجاوز والدین به فرزند، پرونده به مراجع قضایی ارجاع داده می شود و قضات بر اساس شواهد و مدارک، و با توجه به حساسیت موضوع، به رسیدگی و صدور حکم می پردازند. روند پیگیری:

- شکایت و گزارش: معمولاً قربانیان یا افرادی که از این موضوع اطلاع دارند، می توانند با مراجعه به دادسرا یا کلانتری، شکایت خود را ثبت کنند.

- تحقیقات قضایی: پس از ثبت شکایت، مراجع قضایی با انجام تحقیقات و جمع آوری شواهد، به بررسی موضوع می پردازند.

- محاکمه و صدور حکم: در صورت اثبات جرم، محاکمه صورت می گیرد و قاضی بر اساس قوانین موجود، حکم صادر می کند.

چالش هایی که برای ثبت شکایت وجود دارد :

- اثبات جرم: یکی از بزرگ ترین چالش ها در این موارد، اثبات جرم است. باید شواهد و مدارکی قوی ارائه شود تا دادگاه بتواند جرم را اثبات کند.

- مسائل فرهنگی: در برخی موارد، مسائل فرهنگی و ترس از رسوایی ممکن است مانع از گزارش دهی به موقع یا پیگیری قانونی شود.

تعریف سوء استفاده جنسی از کودکان در بسیاری از جوامع شامل هر گونه فعالیت جنسی با شخصی است که راضی به این کار نباشد و یا رضایت او قانوناً معتبر نباشد. بنابراین در مواردی که یکی از طرفین به سن اعتبار رضایت نرسیده باشد، حتی اگر راضی یا خود باعث برقراری رابطه جنسی باشد میتوان طرف دیگر را به سوء استفاده جنسی محکوم کرد. نکته قابل توجه این است که؛ اطفال به دو طریق ممکن است از نظر مسائل جنسی، بزدهیده واقع شوند؛ طریقه اول زمانی است که کودک در طول

مدت زمان معینی، از جانب یک فرد خاص مورد آزار جنسی قرار میگیرد که آن را اصطلاحاً «آزار جنسی» گویند. بنابراین در آزار جنسی، شخص آزاردهنده، یک فرد ثابت است و این عمل در طول مدت زمان تکرار میگردد.

طریقه دوم زمانی است که از کودک به جهت مقاصد شوم اقتصادی، تجاری، جنسی در فعالیتهایی که از آنها تحت عنوان «سوء استفاده جنسی» یاد میشود از جمله هرزه گری، روسپی گری و توریسیم جنسی سوء استفاده میشود. بنابراین در سوء استفاده جنسی برعکس آزار جنسی، کودک از ناحیه فردی ثابت مورد استفاده قرار نمی گیرد بلکه سوء استفاده از کودک در سطح وسیع و به صورت شبکه ای انجام مییابد.

در ایران، خشونت های خانگی به عنوان یکی از مسائل جدی اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، قوانین مشخص و جامعی که به طور خاص به خشونت خانگی بپردازند، وجود ندارد. اما با استفاده از قوانین عمومی و مقررات دیگر می توان در این زمینه اقدام کرد. در ادامه، به برخی از تدابیر قانونی که برای مقابله با خشونت خانگی در ایران در نظر گرفته شده است، اشاره می کنیم:

۱- قانون مجازات اسلامی و تعزیرات :

مواد مربوطه : ماده ۶۱۴ - ۳۸۱ تا ۳۸۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶۱۷ تعزیرات

- جرم انگاری خشونت: بر اساس مواد مختلف قانون مجازات اسلامی و تعزیرات، اعمال خشونت فیزیکی (ضرب و جرح) جرم تلقی می شود. اگر خشونت خانگی به شکل ضرب و جرح باشد، می تواند با استناد به این قانون پیگیری شود. مرتکب به قصاص، دیه یا تعزیر محکوم می شود.

- قتل و جرح: در صورتی که خشونت خانگی منجر به قتل یا جرح شدید شود، مرتکب ممکن است به قصاص یا حبس طولانی مدت محکوم شود.

۲- قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱) :

- حمایت از زنان و کودکان: این قانون با هدف حمایت از خانواده ها، به خصوص زنان و کودکان، تدوین شده است. بر اساس این قانون، دادگاه های خانواده وظیفه دارند که در موارد خشونت خانگی دخالت کنند و تصمیماتی برای حمایت از قربانیان بگیرند.

- تدابیر حمایتی: قانون حمایت خانواده امکان صدور حکم برای پرداخت نفقه، تعیین حضانت فرزندان، و صدور حکم منع از اقامت مشترک (برای حفظ امنیت زن و کودکان) را فراهم می کند.

۳- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱) :

- حمایت از کودکان: این قانون به طور خاص به حمایت از کودکان در برابر سوء استفاده های مختلف، از جمله خشونت خانگی، پرداخته است. هر نوع سوء استفاده از کودکان جرم تلقی می شود و مجازات های سنگینی برای آن در نظر گرفته شده است.

۴- پلیس و مراجع قضایی :

- مداخله فوری: در صورت گزارش خشونت خانگی، پلیس می تواند به محل حادثه مراجعه کند و اقدامات اولیه برای حمایت از قربانیان را انجام دهد. همچنین، قربانیان می توانند با مراجعه به کلانتری یا دادسرا، شکایت خود را ثبت کنند.
- قرارهای حمایتی: دادگاه ها می توانند بر اساس شواهد و مدارک، قرارهای حمایتی صادر کنند که شامل جلوگیری از تماس مرتکب با قربانی، ممنوعیت اقامت در خانه مشترک، و سایر تدابیر حفاظتی است.

چالش ها و مشکلات:

- فقدان قانون جامع: یکی از مهم ترین چالش ها در زمینه مقابله با خشونت خانگی در ایران، نبود یک قانون جامع و منسجم است که به طور خاص به این مسئله بپردازد.
- مسائل فرهنگی: موانع فرهنگی و اجتماعی نیز ممکن است مانع از گزارش دهی خشونت خانگی توسط قربانیان شود.
- دسترسی به خدمات حمایتی: قربانیان خشونت خانگی ممکن است به خدمات حمایتی کافی مانند پناهگاه ها، مشاوره روانشناختی، و حمایت های قانونی دسترسی نداشته باشند.

روانشناسان جنایی برای مقابله با خشونت های خانگی، راهکارهای مختلفی را پیشنهاد می کنند که هدف آنها کاهش وقوع این نوع خشونت ها و حمایت از قربانیان است. برخی از این راهکارها عبارتند از:

- ۱- آموزش و آگاهی بخشی: یکی از اصلی ترین راهکارها، آموزش افراد درباره اثرات مخرب خشونت های خانگی و نحوه شناسایی علائم آن است. این آموزش ها می تواند شامل جلسات مشاوره ای، کارگاه های آموزشی و برنامه های رسانه ای باشد.
- ۲- حمایت روانی و مشاوره ای: ارائه مشاوره به قربانیان و همچنین افرادی که به خشونت دست می زنند، برای کمک به کنترل رفتارهای خشونت آمیز و کاهش تنش های روانی بسیار مهم است.
- ۳- تقویت شبکه های حمایتی: ایجاد شبکه های حمایتی برای قربانیان خشونت های خانگی، مانند گروه های حمایتی، خدمات مشاوره ای رایگان و خط های تلفن اضطراری، می تواند به کاهش احساس انزوا و افزایش احساس امنیت آنها کمک کند.
- ۴- تغییر نگرش ها و باورها: از طریق کمپین های فرهنگی و اجتماعی می توان نگرش های عمومی را نسبت به خشونت های خانگی تغییر داد و فرهنگ عدم تحمل خشونت را در جامعه تقویت کرد.
- ۵- مداخله در بحران: ممکن است در مواقع بحرانی، به مداخلات فوری روانی، اجتماعی بپردازند تا از تشدید خشونت جلوگیری کنند. این مداخلات می تواند شامل توصیه به استفاده از خدمات اورژانسی یا پناهگاه های موقت باشد.

۶- همکاری با نیروهای انتظامی و حقوقی: روانشناسان جنایی با همکاری نیروهای انتظامی و حقوقی، می‌توانند در شناسایی و پیگیری پرونده‌های خشونت‌های خانگی و نیز حمایت از قربانیان در روند قضایی نقش داشته باشند.

این راهکارها به صورت ترکیبی و با توجه به شرایط خاص هر مورد، مورد استفاده قرار می‌گیرند تا بتوانند به بهترین نحو از بروز خشونت‌های خانگی جلوگیری کرده و به قربانیان کمک کنند.

نتیجه گیری:

در این متن، به بررسی خشونت‌های خانگی در ایران و ابعاد مختلف آن پرداخته شده است. خشونت خانگی به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی عمده در سراسر جهان و ایران، واقعیتی تلخ و غیرقابل انکار است که بیشترین آسیب را به زنان وارد می‌کند. این نوع خشونت می‌تواند به اشکال مختلفی از جمله فیزیکی، روانی، اقتصادی، جنسی، و کلامی بروز یابد و تأثیرات عمیقی بر زندگی قربانیان، به ویژه زنان و کودکان، داشته باشد.

بر اساس آمار جهانی، درصد بالایی از زنان و فرزندان در طول زندگی خود با نوعی از خشونت خانگی مواجه می‌شوند و در ایران نیز این مسئله به دلیل ضعف در قوانین حمایتی و فرهنگ سنتی مردسالارانه، بیشتر به چشم می‌آید. اگرچه برخی از مواد قانونی در ایران برای حمایت از قربانیان خشونت خانگی وجود دارد، اما اجرای ناهماهنگ این قوانین و تفاوت در تفسیرهای قضایی منجر به عدم حفاظت کافی از حقوق قربانیان شده است.

عوامل مختلفی از جمله نقش‌های جنسیتی سنتی، فقر، وابستگی مالی، و ضعف در آموزش و آگاهی اجتماعی به عنوان محرک‌های اصلی خشونت خانگی شناسایی شده‌اند. این در حالی است که نقص در سیستم قضایی و فرهنگی و نیز مشکلات روان‌شناختی و اعتیاد نیز به شدت بر وقوع این نوع خشونت‌ها تأثیرگذار هستند.

در نهایت، خشونت خانگی نه تنها زندگی قربانیان را به خطر می‌اندازد، بلکه به عنوان یک چالش بزرگ اجتماعی نیازمند توجه جدی و اقدامات مؤثرتر در حوزه‌های قانونگذاری، فرهنگ‌سازی، و حمایت‌های روانی و اجتماعی است. تنها با این اقدامات می‌توان به کاهش این معضل و فراهم کردن محیطی امن‌تر برای زندگی خانوادگی دست یافت.

کلام آخر:

زمانی که از خشونت خانگی سخن به میان می‌آید، اغلب تصورها به سمت ضرب و شتم، خشونت‌های عاطفی و روانی معطوف می‌شود. اما کمتر کسی به یاد دارد که خشونت جنسی و تعرض‌هایی که توسط والدین یا اعضای خانواده انجام می‌شود

نیز شکلی از خشونت خانگی است، که به همان اندازه ویرانگر و مخرب می‌تواند باشد. این نوع خشونت باید به همان اندازه جدی گرفته شود و از آن صحبت شود تا بتوانیم به سوی جامعه‌ای ایمن‌تر و آگاه‌تر گام برداریم.

منابع :

مقالات استفاده شده : ۱- خشونت خانوادگی و رفتارهای خشونت آمیز علیه کودکان نویسنده مقاله گلناز فیروزی منبع حوزه ۱۳۸۸ شماره ۲۶۶

۲- حمایت از زنان بزه دیده خشونت جنسی خانگی در نظام عدالت کیفری ایران نویسنده هاجر آذری دوره ۴۹ شماره ۲ پاییز و زمستان

۳- حمایت حقوقی از زنان در برابر خشونت خانگی نویسنده سمانه رحمتی فر
مواد قانونی : قانون مجازات و تعزیرات مواد ۶۱۴ - ۶۱۹
قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱
قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱
قانون مدنی مواد (۱۱۳۰ - ۱۱۷۳ - ۱۱۱۷)

۴- راهکارهای سیاست جنایی ایران در مقابله با خشونت علیه کودکان نویسنده حسین علیمحمدی

۵- بررسی و تحلیل جرم شناختی قتل های خانوادگی والدین علیه فرزندان ، فرزندان علیه والدین نویسنده کوثر مهر متین

۶- تاثیر بیکاری بر جرم و انحرافات اجتماعی نویسنده عاطفه بطیاری

۷- کودک آزاری در ایران و تطبیق آن با کنوانسیون های بین المللی نویسنده منصور احمدی جزنی

۸- تاثیر خشونت های خانوادگی بر بزهکاری کودکان و نوجوانان نویسنده زینب جناب اصفهانی

۹- حمایت از اطفال بزه دیده در فرایند کیفری نویسنده علی بشارت

۱۰- رویکرد حقوقی به اطفال در معرض خطر در حقوق ایران و انگلستان نویسنده محمد عباس زاده

۱۱- سنجش کارایی طلاق در پیشگیری از بزهکاری فرزندان نویسنده معصومه انتظامی

۱۲- کودک آزاری با رویکردی بر حقوق کودک و نقد موارد مرتبط در کنوانسیون نویسنده الهام بحرالعلوم

۱۳- تاثیر محیط خانواده بر جرایم نویسنده یحیی صفرنیا

۱۴- سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم علیه زوجه در خانواده نویسنده فائزه عظیم زاده اردبیلی ، زینب ریاضت

۱۵- بررسی رابطه خشونت خانگی با مشکلات جسمانی و روانی کودکان و نوجوانان نویسنده فاطمه ابول پور